

دریاکنار

اشنبه ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰

گفتار هفته

بقلم: ا. ب.

مبعث

یار و ز تجلی انوار حق

در آن هنگامی که سرتاسر آسمان عربستان را ابرهای تیره و ظلمانی چهل و گمراهی فرا گرفته بود، در آنوقتی که کابوس وحشتناک بت و بت پرستی و بی خبری از خداوند یگانه برصحنه پهنای عربستان مستولی شده بود، در آن موقعی که اعراب جاهل و کوتاه نظر، از فرط سیه دلی و نادانی درین بت و توحش و بربریت گرفتار بوده و فی المثل آدم کشی و غارت کردن و چپاول گری را باعث مباهات و فخر به خود میدانستند در میان قومی که با کمال لعاب کسب خنکی و خود سوری و نهایت وحشی گری و درندگی قومی که با شدت قساوت قلب بر جان و مال هموع خود ترحمی نداشتند و حتی دختران نوزاد خود را (برای اینکه با مطلع وجود جنس انثا رانک آور میدانستند) بر بست خود زنده بگور میکردند و این کار را از رشادت و زرنگی و غیر نسندهی خود محسوب میداشتند در خلال آن تیرگی و تشنج محیط و در میان این گروه و وحشی خونخوار ناگاه از لایلابی ابرهای ظلمانی آسمان تیره عربستان بارقه رحمت ایزدی چسبنی کرد حجاب جهل و نادانی را از ازمم ببرد و پرده ضخیم دست و تحش و ستمگری را بیکسوزد ستاره نورانی و درخشانی خودنمایی کرد و آرقوب آسمان و زمین تیره و تاریک عربستان و بلکه جهان را متور و برای همیشه آب روشن و درخشان نگهداشت

درست چهل سال از عمر مبارک حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله سرور و مصلح گذشته بود و در خلال این مدت کوچکترین غبار آلودگی از آن محیط به این کثیف و سنگین بردامن پاک و بی آلائش نشسته و با آن نیروی خدائی توانسته بپرز آلود روح بزرگ و ممتنع خود را از گزند آن توهمت و معتقدات بوج و استهزاء توطیه کا میز حفظ کند و نظر بلند و عالی خود را از فراز آن آلودگی و پلیدی ها سرور و بهر هم بالاتر بفرستد و یادیده حق بین خود در پرتو انوار ملکوتی و وحدانیت وون شایران حقیقت و رموز عالم خلقت را جستجو نماید

بقیه درص ۴

رعایا درستکار و امین نمیگردند مگر با درستکاری اولیاء امور و در عین حال درست کاری اولیاء امور بسته با ستقامت و صراحت لهجه رعایا میباشد. اگر رعایا حقوق مربوطه با اولیاء امور را بجا آورند و بهم چنین اولیاء امور حقوق رعایا را اداء نمایند حق و حقیقت بین آنان عزیز گشته و شاهراه دیانت استوار شده و پرچمهای عدل و داد در اهتزاز میآید و نظام گیتی از مجرای صحیح عملی میگذرد. در نتیجه این امر تیرگی ها بر طرف و مهر جهان افروز سعادت طلوع مییابد آنوقت است که هر کس مشتاق پایداری دولت بوده و همان وقت است که دشمنان از آرز و حرص خود دست می شویند. اگر رعایا نافرمانی از پادشاه بنمایند و اگر پادشاه نسبت بر رعایا ستم پیشه کند شجره اتفاق بحفظ نفاق تبدیل می یابد و پرچمهای ستم و دشمنی هویدا میگردد.

از فرمایشات علی ۴

نویسنده: ع-ج

((مرد سرگردان))

«مهر تو چون شد پیشه ام - دواز تو نیست اندیشه ام»

باد سحرگامی که سردو لبتانک بود زیر لطف کهنه رورفته نوروز نغز میگرد از مشرب تا مسیح از زور سرما و از صدای گریه دختر گشته اش مریم چند بار بیدار شده بود... دلش میخواست هر چه زودتر صبح فرا رسد تا مطلق مریم بر آفتاب گرم خود و خوش هم بتواند از جامی لافه نانی و کوزه آبی تهیه نماید

آزادی و استقلال

اولین لازمه شرافت يك ملت استقلال است. استقلال ملتها را فقط تقاضا و اخلاق عالیه میتواند محفوظ داشت حناط و لنگیان هرملتی شجاعت و قهرمانی اوست هرگاه میخواهید آزاد باشید باید برستش حقیقت را پیشه خود سازید بدون حقیقت آزادی میسر نیست يك ملت نمیتواند بدون معارف آزادی خود را محفوظ دارد در راه زندگی هرافتنده انجان و مال گذشت زنده بماندنی که برای زنده داشتن آزادی زندگی را دوست دارد آزادی مستلزم مساوات است، در مقابل قانون همه برابریم هیچ نوع آزادی را نمیتوان تصور کرد که بنا اجازه دهد الابد خطا کار باشیم در همین آزادی باید مقید باشی - شیخ محمد خیا بانی

چندبار به بهلولقلعید و با پنجه های زمخت و اوراش آهسته لطف را که از روی مریم پس رفته بود بالا کشید و با کف دست بیسته سته اش پروای نازک و کوچولوی مریم را موازش داد! باباجان سرودت نیست ۱۱ حالا صبح میشه دخترت میره با بچه ها بازی میکنه مریم فرشته خدا که از سرما مثل بید میلرزید انگشتان بار یک و چرکین خود را روی سیبل و موهای پریشانش پدوش نوروز لغزانه و بسا مهریانی گودکانه اوبوش نوروز را بازی گرفت و سرما از پیش میگرد با یک ناله خفیف و درد انگیزی خودش را ناگهان مثل بچه گریه جمع کرد و صورتش را میان کف دستهایش پنهان ساخت با اینکه صبح شده بود نوروز میخواست هنوز بخوابد گوفکی و خنکی دیر و او را سنگین و نا راحت ساخته بود بلکه پیش سنگینی میبود در میان خواب و بیداری آرزو میکرد دست مهریانی پیدا میشد و روی لطف کهنه و پاره او یک روان از کفنی میبافت تا با دخترش لطفای گرم شود و خواب روند

روزنامه های انگلیسی مینویسند:

باملی شدن نفت، شرکت نفت ایران و انگلیس منحل نخواهد شد - شاید اسم شرکت عوض شود

شرکت نفت ایران و انگلیس علاوه بر نفت ایران بنسبت ۵۰ درصد در شرکت نفت کویت سهم میباشد و با وجود اینکه استخراج نفت کویت فقط از سال ۱۹۴۶ با انتظار شروع شده محصول سالانه آن که دوسال ۱۹۴۹ بالغ بر ۱۲ میلیون تن بوده سال گذشته با ۱۷ میلیون تن رسیده است و امسال قریب ۲۰ میلیون تن خواهد بود - يك پالشگاه نفت با ظرفیت ۱ میلیون تن در سال در کویت دائر گردیده و ذخیره نفت آنجا از ذخیره نفت جاههای ایران بیشتر میباشد این ذخیره بنقدار ۱۳۰۰ میلیون تن برآورد شده در صورتی که شرکت نفت ایران و انگلیس بنسبت ۵۰ درصد پالشگاه و حقیقا شرکت است ظرفیت این پالشگاه بالغ بر ۴ میلیون تن در سال میباشد - شرکت سرمایه زیادی برای لوله های نفت بکار برده و دارای ۱۴۲ کشتی نفتکش میباشد که از این حیث انگلستان را در دنیا در درجه اول قرار میدهند ظرفیت این کشتی ها ۶۹-۱۶۹۷۱ تن بقیه درص ۴

چند موضوع!....

ایران نهایتیک در سوم شهریور ۲۰ چکه و ششیر خود را دور انداخته و سربران مارا در حالیکه زیر باران گلوله نشنه و گرسنه گذاشته بودند و با جفا و روه سرفی های همه قزی ها را خواه خانامی ها فراوان اختیار نمودند بمرجات و مناصب عالیه نائل و بر خود ابر میگرددن در ایران منافقان کارمند بیکار شهریاری و پولسکی میتواند با لاسیتک قانون کار ارباب رجوع را با اقتدر کش بدعه و - اینقدر تمسره و ملاده بترشد تا چشم ارباب رجوع سفید خود و جانش بلب آید و از اعتراف اگر کسی پیدا شد و باین کارمنه اشکال تراش و هوه گهر بدعمل گفت بالای چشت ابروست فوری بنام > توهین به کارمنه هنگام انجام وظیفه > برایش برودند و پاپوش میسازند تا نهایتیکه خودش بداند و پنهانی جگرش ... بقیه درص ۳

بد نیست بدانید که

گرم ممکن است پوست خود را عوض کند ولی فکرش را تغییر نمیدهد... پاره سنک را بکوزه بزنی یا کوزه را روی سنک بیندازی باز شکست با کوزه است - جاقو و پول راهم در راه خوب وهم بد میتوان بکار برد از امثال دیگران

ان یار حکومت مردم بر مردم و قانونی که می دهد فرانسوی یکسان حکم میکند بغلیبایر محکوم و محبوس ساخت و اگر بین مرد و دوشش اردیا کوتاه گردید بنشینم آردو کنیم که سه راستش زیر سر اند دانه امور و زمانداران خان و ناهم رطبان ال مابعد - خوار فرانسو بین ، مارشال فرانس و در و درون محکوم میشی ابد میشود و در

اخبار خلیج ایران

پاداش

چون درآمد شهرداری بوشهر در سال جاری نسبت به سال گذشته فزونی داشته از اینرو انجمن شهر بنام فزونی درآمد مبلغ بیست هزار ریال به آقای چوبک شهردار و پنج هزار ریال به آقای ریشتری معاون شهرداری پاداش داده است و همچنین آقای همدرد را کتبا و آقای معاون را شفاهاً مورد تقدیر قرار داده است

ابتکار

مامورین مبارزه با مالاریا که از طرف سازمان بهداشت وزارت بهداشت هم اکنون مدتی است در بوشهر با انجام وظیفه مشغولند ضمن عملیات خود ابتکاری نموده اند بدین معنی که خانه های روستا و امیان ۱۱ که منازل کثیف و منبع مالاریایی است با دست سدر سد خالص و فقط و کلبه های پاکیزه و نظیف و غیر مالاریایی ۱۱ بیچارگان و فقرا را با مخلوط ۱:۷۵ آب شور دریا سم پاشی نموده است امیدواریم با توشیحی که آقای مهندس احمدنیا در این باره خواهند داد رفع هر گونه سوء تفاهمی بشود

سد شکست

سد ساحلی شرقی که سال گذشته بمبلغ هشتصد هزار ریال ساخته شده بود شکست و آب دریا بطرف شهر جریان پیدا نمود و (کیر) های اهالی را فرا گرفت امیدواریم با زهم هشتصد هزار ریال دیگر جهت تعمیر آن صرف شود

برای رسیدگی

بقرار اطلاع مجدد بین آقایان اطرمی ها و نصوریها اختلافاتی روی داده از اینرو آقایان دادستان و بازرس و سرهنگ جرجائی رئیس زندان را برای منظور رسیدگی بعمل عزیمت نمودند

امیدواریم بتوانیم در شماره آینده چگونگی را با اطلاع خوانندگان گرامی خود بوسانیم

در دریا غرق شد

عصر روز ۹ اردیبهشت کارگری برای شنا بدیا میرود چون شنا بلد نبوده و در جایی که بقصد شنا خور را بدویا زده بوده عمق آب زیاد و علاوه کرداب بوده است آب او را بخود فرو میکشد و غرق میشود تاغروب باوجود تلاشی که ملوانان و پاسانان برای نجات پیدا کردن غریق بعمل آوردند نتیجه نبخشید و هنوز غریق مزبور در دریا ناپدید نمیشد

دستگیری سارق

بقرار اطلاع ۲ اردیبهشت مجید نامی بمنزل رستمی و یک پیره زن نان بز دستبرد میزند که در حین ارتکاب بوسیله مامورین پلیس دستگیر میگردد ، اکنون قضیه در دهر برانی تحت پیگرد میباشد

عزیمت

آقای صادق وزیر و وزیر بازرسی دیوان کیفر که بمنظور رسیدگی بفرش شکر های دولتی بوشهر آمده بودند پس از انجام ماموریت عفته گذشته بازگشت نمودند

هکاس، شرکت نفت

آقای وجدانی عکاس شرکت نفت هفته گذشته وارد و برای آلبوم شرکت نفت عکسهای تهیه نموده است

ورود

آقای خانمی رئیس دایره مالیات مستقیم دارائی شیراز بعنوان بازرس و سرپرست دارائی بوشهر منصوب و هفته گذشته وارد گردیدند

مامور سیاسی شرکت نفت

گزارش از گناوه حاکی است که یک نفر انگلیسی مامور سیاسی شرکت نفت چند روز پیش با هواپیمای وارد گناوه میشود و بطوریکه در گناوه شایع است با انومبیل باطراف رفته و با خوانین ملاقات هایی نموده است

مراتب از طریق مقامات اداری گناوه ببوشهر گزارش طبق دستور جناب آقای استاندار آقایان فرماندار رئیس شهربانی بوشهر جهت تحقیق بگناوه عزیمت نمودند و طبق تحقیقاتی که بعمل آورده اند معلوم شده که مامور سیاسی مزبور فقط برای بازرسی اداره شرکت بگناوه وارد شده بودند

ورود

آقای سرهنگ دوم حسین شهبازی افسر دایره فرهنگ ستاد ارتش و آقای سرهنگ دوم خاوری افسر مامور فرهنگ ستاد لشکر فارس بمنظور بازرسی و امتحان سر یازان گردان مستقل پیاده بوشهر و گردان کارگرم کمرک روز یکشنبه اول اردیبهشت ماه وارد و پس از انجام ماموریت بشیراز مراجعت نمودند

آقای مهندس

آقای مهندس دواتچی معاون فنی وزارت کشاورزی با اتفاق دونفر متخصص امر کالی و غنم متخصص انگلیسی بمنظور مبارزه با ملخ روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت وارد بوشهر گردیدند و نیزه هواپیمای کوچک سم پاشی امریکائی و نیزه مقداری سم که بوسیله دو هواپیمای بزرگ حمل گردیده بود وارد گردید دریا کنار امیدواریم با این فعالیتی که آغاز شده از پیشروی بیشتر ملخها جلوگیری شود

زیرا اخبار رسیدن حاکی است که بوره های دوره دوم ملخها منقرض شده و نواحی تنگستان تا ایسوند را مورد حمله خود قرار داده اند ملخهای تازه از بوره بیرون آمده با ریح تمام مشغول خوردن غلات میباشند و همچنین به بوته های هندوانه و غیره نیز خسارت هنگفتی وارد ساخته اند

آقای مهندس زاهدی مدیر کل وزارت کشاورزی بوشهر وارد شدند

پرداخت بکارگران

کارخانه اعتمادیه بکارگرانی که احتیاج نداشته با پرداخت حق نقاد آنان بخدمتشان خاتمه داده است

مردم چه میگویند

خوانندگان عزیز این روزنامه مال شما و ناشرانکار شماست و شما برای رفع معایب و مفاسد اجتماع شما برای جلوگیری از تشییات و اجتماعات متفکران اجتماع شما و بالاخره برای احسان حق شما با تصدیق رضایت و معارج زیاد آنرا تأسیس و منتشر کرده ایم که شاید بتوانید مدتی شما کرده باقیم اینک در این سنده یک ستون را با عنوان فوق فقط برای فردا شما اختصاص میدهم و روزی از شما میخواهم که بدون رودرباشی هر شکوه و شکایتی دارید هر اعتراض و نظری که بخواهید برای ما بنویسید تا در این ستون چاپ شود و منسک کنیم و رفع نگرانی شما را بخواهیم

معموما از خوانندگان محترم بوشهری و باغی که دریا کنار حفا با آنها تلقی دارد چشم داشت همه گونه کتک و راهشانی و هم کاری برای معرفی و شناساندن بکارگران و معسکین پستی آنها که بمشغول دیگران لغت میزنند داریم تا اینکه بتوانیم زمینه اصلاحی در این سامان فراهم کنیم و مزبور روی آسایش بیسته و دور فناء و معجز آسودگی خود را ادامه دهند

ما و خوانندگان

آقای م. پیشوا نامه کله آمبر شمارا دریافت نمودیم ازته یاد آورهای شما متفکریم ولی در مورد مطلب سوم بایستی با ملایمات و با شما برسانیم همانطوریکه منظور نظر شماست اول ما باید توجه کنیم وزارت بهاری را در مورد اعزام دکتر جاسانائیم و با آنها میباشیم اما شهرستان بوشهر که مرکز بهاریهای جنوب (از خرمشهر تا چابهار) و با است و از لحاظ قرطین موقعیت بیانیالی دارد بدون و کمتر میباشد

اگر ما موفق شدیم بر اولیای مرکزی روغن سلازم در دیالیز که برای هزار نفر لافا بایستی یک نفر پزشک عمومی طب و یک نفر جراح و یک نفر دندان پزشک و بالاخره یک نفر چشم پزشکی بایستد اما نباید جهت یکصد و بیست و پنج هزار نفری بوشهر و توابع شرقی بزرگه هم تعداد آنوقت است که میتوانیم آمبولانس برای بیمارستان و ماشین برای پزشکان و دارو برای بیمارستان بخراییم و در این مورد سانس و بافشاری کنیم والا وسائل پزشکی و دارو و آمبولانس بدون و کمتر نه تنها ارزش ندارد بلکه ضرر هم دارد زیرا در این هوای گرم داروها ناسد میشود و وسائل پزشکی در اثر رطوبت هر رنگ میزند و باقیول معروف آهن باره ها موش میخورند چنانچه مقداری از اسباب و اثاثیه پزشکی بیمارستان در اثر مرور زمان موشها خورده اند

اما در مورد تشویق علم و فرهنگ و با وجدان تصور نمیکنم انتقادی از آقای بهادر گزینش شده و بایشان اها تیر گردیده باشد چه تشویق از این بالاتر که ایشان را بوزارت بهاری و هم اهالی معرفی نمودیم پشت کلمات اداره کل بهاری و فرستادن باند جنوب همه دار میباشد

آیا نظر شما از آموزشگاه عالی شیراز فارغ التحصیل بودن و انتقاد است؟ آیا نوشته خود ایشان سال گذشته فارغ التحصیل شده اند و بایستی بدون اینکه یک نفر طبیب مجرب در بیمارستان وجود داشته باشد بیمار را دروا و معالجه نماید اعانت نموده اند آیا این مطابق نظر شما انتقاد است؟

آری حقیقت تلخ است و بندان بعضیها خوش نمی آید در کشورهای رایج و منظم و در آنجا مایه که برای جان افراد ارزش قائمده فارغ التحصیلان دانشکده طب پستی آنها یکسال از نظر استادان طب و در لابراتوارهای همه هم میگذرانند برای عودت معیت کمال اجازه داشتن مطب نپد هند و موطنند بنام (انت) و در بیمارستانها تحت نظر اطباء انجام وظیفه نمایند تا چه رسد به کسانیکه در شتاری برای آقای کلینش با مالیتی که هم اکنون مشغول کار میسکن است ده سال دیگر و کتر حادث خوبی شده و تجربیاتی با آموزشهای

آقای پیشوا ما نظریه انتقادی شما را پذیرفتیم و از اینکه اهل مطالعه هستید خوشه قنیم ولی امید داریم نظریات خصوصاً معرک نوهن آن نامه شده باشد و اما موضوع مسافرت آقای دکتر کلینش رئیس بهاری که اشاره نموده بودید یعنی جدا گانه است که انشاء الله اگر فرصت شد بوقع خود مینویسیم

آقای سید محمد حسن میبشیمان مقالات شما تحت عنوان ما و خواب هولناک دوست جفاکار و قابل توجه نمایندگان بوشهر رسیده امیدواریم که بتوانیم در شماره های آینده نسبت بچاب آنها اقدام نمایم

روز کارگران

روز اول ماه مه روز کارگران و روز جشن کار و کوشش است در لندن و مسکو و واشنگتن تهران و سایر نقاط جهان روز اول ماه است و کارگران جشن میکنند

ما روز اول مه را بنام کارگران جهان و بنکارگران عزیز که خودمان تبریک و تهنیت میگوئیم و آرزو میکنیم که کارگران له نور بیش از پیش در راه سعادت ایران و خوشبختی ملت مادر زهر پرچم اتحاد و اتفاق پیش بروند

چند موضوع!

انجمن تربیت بدنی بوشهر توجه نماید

روز جمعه ۶ اردیبهشت ماه یکسلسله ملبات ورزشی در باشگاه نیرومند در برابر عدهای تماشاچی انجام گرفت (البته عده ای از مدعوین حضور پیدا ننمودند که ما فلا از ذکر نامشان خوداری میکنیم)
باشگاه ورزشی نیرومند تحت سرپرستی جوانی ورزش دوست و ورزشکار که ملائمت است جوانان همشهری خود را ورزش کردن و نیز وقتساختن تن و ادارت و درده سال پیش تشکیل گردید.
آقای یوز صیاح مدیر باشگاه ابتداء اساس این تشکیلات را در خانه محفل خود تشکیل داد و وقتاودونستان ورزش را ورزش کردن و امیدباش خورد خوردی عده چهار پنج نفری بلافاصله فرط بشکافتن این باشگاه هست گماشتند تا اینکه در سال گذشته در اثر علاقه اینکه آقای موبد رئیس فرهنگ وقت باجای آن باشگاه داشت اقداماتی نمود که در نتیجه وضع امل پیدا کرد و بعد از آن دیگر کوچکترین توجهی نشد.
بایستی دید این انجمن تربیت بدنی بوشهر با این تشکیلات بوده چه قسمی برای پیشرفت ورزش این شهرستان تحت سرپرستی آقای منظور این انجمن جمع آوری وجوه و بعد تقسیم آن بین عدهای بنام پاداش و نازشست میبایه ؟
خوب است انجمن تربیت بدنی بوشهر اگر صلاح بداند ۱۱ بیان ملبات خود را با اطلاع همه برساند .
من نیدانم چه مقاسی میتواند در عملیات این انجمن ملی نظارت کند و امی- دام آقا تاکنون از طرف انجمن مرکزی نسبت بکار های این انجمن رسیدگی شده یاخیر تصور میکنم اگر کنفرولی در کار میبود ویا انجمن موظف میشد که همه ساله بیان ملبات خود را در معرض افکار عمومی قرار دهد وضع بهتر از حالا میشد و اقلا نهضت ورزش که در اثر توجهات شاهنشاه در تمام ده کسوره های ایران آغاز شد در بوشهر شروع میگردد، واقفا چقدر تاسف آوراست که با این بودجه هنگفت که سالیانه جمع آوری و بعد خرج میگردد هنوز از داشتن یک زمین فوتبال که ورزشکاران ما اقلا بتوانند در آن یکساعت در آن بازی اشتغال ورزند محروم باشیم . امیدوارم این مذاکرات مفید باعث شود که آقایان اعضاء انجمن تربیت بدنی شهرستان بوشهر وظیفه خطیری که بر اوس ورزش بهمه دارند بیشتر توجه بسپارند

خریداری کرد گویا این عده بوج بیماریان صدتخت و خوابگاهها را برای این بود که بولی بعد عمارت سبز آباد را بخرد.
این بیمارستان صدتخت خوابگاهها را برای این بود که بولی بعد عمارت سبز آباد را بخرد.
وزارت بهسازی و اوزانی مردم خوشگواران تهران باد انکس برای بوشهر و بخشهای بوشهر با آن عرض بطول بزرگ و جراح میکرب شناسی، بزرگیار، چشم بزرگ و سرویس کامل چشم پزشکی و جراحی می- فرستاده انکس دارو و غیره کافی ارسال میدادند . انکس چند تا بست ثابت و سیار صحرایی در بخشهای بوشهر دایر میگردد اینکس این سازمان شاهنشاهی خدمات انضمام که از بس در رادو پرویا گانه میکنند گوش مردم ما اولادگان سیروس و های بوشهر در دستگاه میناسخت و سراسر بوشهر با بخش های آن بزرگ و دارو مرحت میفرمود .
خلی شیر آرزو است در دور تابیکه مردم کشورهای دیگر سگ و گربه هایشان را با طیاره برای انجام ملبات جراحی حمل و نقل میکنند و ما اولادان خوشبخت و سربلند داریم بوش مانوادگان سیروس و وزارت تاریخ ۶ هزار ساله باستانی یک دانه از برین و پایک فرس که گه در اختیار نداشتیم .
مالاریا و تراخم مثل مردم سواحل جنوب ایران را از یاد آوردم همه جا فقریت مرض و ناخوشی چنگان خود را در حلقوم ما اهالی نادر فرو کرده در حالیکه تهران و وزارت بهسازی در بند آن نیست و غم آنرا ندارد که بفر مرزهای جنوب ایران باشد و بهداشت مرز نشینان جنوب ایران را فراهم سازد .

برستان استمار چی و باره میبازد .
خلی بیجا و شایسته است که ناوهای انگلیسی بجای آنکه بساحل ایران نزدیک شوند و لوله های توپ را رو بطرف ما بگردانند برونه و ساحل جزیره انگلستان را باستانی و محافظت نمایند .
هدایت ما!
انکس این تهران خواب و غشای آلود بیدار میشد و بگوید می اندیشید انکس زمامداران غافل و ملیقات خاکه ظالم و ستیکر ما هشیار میگردیدند ای کسانیکه دعوی مبین برستی میکنید از پشت میزهای درخشان چوب گردو و واژ توی اطفاها و سالن های شیک و راحت برخوردار نظری بخارچ از تهران بندازید به بینه دوشهرها و روستاهای دور از پای تخت و سواحل ایران چه خیر است .
قریب یکسری قرن گروهی بوطن نالایق دزد و خان مردم را جاییدند لغت کردند شیر و لایه های دهقان را بسک و - کربسه خود دادند گوشواره و انگلی (زان و دختران شهری و دهاتی را بنیسا بردند شرافت و فوایس مردم بد چشمی و دروا دستی کردند یکسری قرن بدتر از سن و ملج و موش هرچه را دیدند و چنگ آوردند خراب کرده و در بنوی تیا مسختند همه شهرها و روستاهای دریا کنار جنوب ایران و ایران و کورستان گردیدند و حال روز مردم از حال روز سکهای بازاری بدتر است سنگدلی تاکی و تا چند یرجی و ظلم و ستم هم همی دارد دولت ب مردم بوشهر وعده داد بیمارستان صدتخت خوابی تهیه میکند بولی داد و عمارت سبز آباد را

از صفحه اول
اگر ما « امنیت قضایی » و عدالت را داشتیم بترس املک و مزایح و قرضی نشان، سرگرمه بنداروز (زبانه زبانه و وزیر و بولوک و بوشکان و بوشکان دعوا تلاقات در لیکر گرفت و صحروریا و آل با بوشندی میدان هاروی یکدیگر و روانه نیکشیدند تا زمانیکه پیش ما و دوشاب یکی است و خادم و خانان یکجوب میرانند، حال پیشوا است و بخاری ها بیجا و تر آقا و خانان بیشتر بافرنگی و دشمن آب و خاک مرم یکبیر و در بیکه و مهبانی و مجل و بر شکوه و شب نشینی ها با حضور خارجی ها و باطل سرگرمی با سحر ها ترتیب داده میشود شرکت از نه باشد محترم و معزز خواهد بود و لام باک و مقامات عالی را طی میکند و - و به گویا بوشهر و با آسودگی خیال میگردد باقیم اما اگر کسی خواست واقفا ایرانی (بار) و باک و خوب باشد و عدالت اجناسی باشد میت قضایی اعتقاد و اینان داشته باشد بیاییت و تو سری خور و در بند میشود کنفر کازمنه یاریس ادار است هر روز شدت خوبتر « مثل توپ فوتبال بگوشای ن و اب میبازند ترمی نخواهد کرد در عرض خورد بدار دارد .
پس با اینحال ایرانی باک نژاد و کسبیکه این گرم و باک مردانگی در کهایش بود از هیچ باز ندارد و بافاسد و تباهی زده میکند و لوینیت جانش تمام شود زمان
عدالت اجناسی « هرچ و مرج نساد حق ، ظلم و جور جسدی رسیده که یک است مارا بیدار هستی و اضطلاع دیه و اب سباز
له های توپ
میکوتند در چنگ بین اللل ۱۸-
بودن ۱۹ هنگامیکه اسرای بوشهری را مصبل و نه همدونستان به بندر بوشهر برگردانند استان بنا بنا دستور کنفل کاس اسرا را یک ایب از صحنه تاپسین در لوا انگلیس فاکس میدادند .
برای آنکه شاید برخی از خوانندگان بود مرا از اسرای بوشهری نداشتن افرادیکم که در چنگ بین اللل ۱۸-۱۹ ساله های از آزادی خواهان و احزاب بوشهر برای نپوه خانه مشهور کاسی صبح ها جمع نشدند و ملبات طالبان و خانان انگلیس را نسبت بدایران انگلستانی و کشت گشتاری که در سواحل جنوب و اما نماغه کابریه دادند بیاد انتاد میگرفتند با سیاست روزانه نصاری بر بنیاس مخالف بودند و این الفت خود را فلنا در قهوه خانه کاسی و جامهای دیگر با سخنرانی وضعیت ایران موصی داشتند انگلیسیا بنظور ارمحاب و - و یک مردم عده ای را گرفتند و به تانه و به فرستادند و پس از چندی آنها را جبر برگردانند .
وقتی که از کاس برسدند چراسرا در لنگرگاه بوشهر از کشتی بتاو گلیسی برای بگروز منتقل کرده است ت این آقایانی که با سیاست دولت شاهمان من! مخالفت لوله های توپ رهای انگلیسی را ندیده اند راستم که لوله های توپ که نماینده ارت و مظهر عظمت امپراطوری بریتانیا ت بهینند!
خوشبختانه امروز وضع جهان تغییر کرده و مقتضیات بین المللی اجازه می دهد بریزد که دیگر انگلستان دوم غیره با گران لوله توپ و برای ترسایین ما نشان دهد ملت بیدار و هشیار شده و مردم جهان زهر کوفه و کنار با شمش و غشت و مجیر نای پوسیده استمار و بهاد گسری سوه

اخطار

در کلیه بنادر و شهرستانهای اطراف خلیج ایران احتیاج بخبرنگار و نماینده داریم داوطلبین میتوانند تقاضا نامه خود را با درس روزنامه (دریا کنار - بوشهر) ارسال دارند ۳-۴ دفتر روزنامه

ملخ بوستان خوردن در مملخ

تقریباً سه ماه و اندی پیش بود که دسته های انبوه ملخ دسته دسته سواحل عربستان و اراضی هندوستان و پاکستان را پشت سر گذارده و پس از پیودن خلیج فارس وارد خاک ایران گردیدند و با حرص و آز تمام بخوردن محصول و دسترنج یکساله مردم بیچاره و مغلوب دریا کنار مشغول شدند .
حمله ملخ با اندازه های شدید و رعب آور بود که در تاریخ پنجاه ساله بوشهر و بنادر دیده نشده است هر دفعه که باغی یا درختی مورد حمله قرار می گرفت جز چوب خشک درختان و یا زمین خالی چیزی باقی نمی ماند .
زارع بیچاره یکسال چشم با آسمان دوخته ، سرمای شدید زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان بر خود هموار ننموده و با انتظار رسیدن روز محصول دقیقه شماری میکرد که تا کیان بالای خانان سوز ملخ هجوم آورد و امید زارع بدبخت را نا امید ساخت .
باینکه وزارت کشاورزی و متخصصین انگلیسی و امریکائی و طیاره ها با اسباب و وسائل ملخ کمی دیدست بکار شدند و دیر چینیندند با اینحال انتظار می رود باقیبمانده غلات و غنیلات را از آفت ملخ نجات دهند

گفتار بزرگان

هر جا هستی برای آنجا میباید باش
وظیفهات را انجام ده و توکل بخدا کن
اگر قصد خدمت داری آنرا دوست انجام ده
من مرگ را بر بیکاری ترجیح میدهم
منت آرزومندم برای خدا و میبین خود خدمتگزار خوب
و با وفائی باشم
خدا یا ما را دین اعتقاد عطا فرما که حق موجب قدرت است
و سپس بما جرات ارزانی دار تا وظیفه خود را طبق استنباط خود انجام دهیم
ترسو چند سال پیش از مرگ حقیقی خود میبرد شکسیر کسی که فاقد شجاعت باشد فاقد همه چیز است سردانش مانتها آرزومند شجاعتی نیستم که به نیروی آن در راه به میریم بلکه خواهان شجاعتی هستیم که در بر تو آن بتوانیم مردانه زندگی کنیم
کار لایل

دریا کنار هفتگی

جای اداره بندر بوشهر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
عبدالحسین زاهدی
تحت نظر هیئت نظریه اداره میشود
ابونه سالیانه ۲۰۰ ریال
برای کارکنان فرهنگ ۱۵۰ ریال
تک شماره ۱۵ ریال
بهای آگهی سطر ۱۰ ریال
مدیر داخلی بزادانی
کلیه مکاتبات بنام مدیر داخلی خواهد بود
تک شماره ۱۵ ریال

اعانه برای زایشگاه
چندی پیش در آبادان برای ساختن زایشگاهی بنام « دهنار بولوی » از طرف جمیت هیر و خورید آبادان اقدام جمیع آفری اما نه گردید و عدهای ارزان و مردمان در این صل خیر با هم رو خورید سرخ همگاری و کمک نمودند .

مرد سرگردان

بیخ از صفحه اول

من و زلم و پنج آزادی مان در اردیبهشت چاهپار ۱ دو یک آبادی زده میگردیم که مان به بود - من زمین و صهی که از پهر من باوت وسیده بود زراعت میگردم گاودو گوشه من چند تنی داشتیم این زمینگوشی بر برای ما بومی نگرد. زلم نگرد و مرد پس از نگردم از دست مامور سر بازار گسیری بگر اجی گرفت یکی از بر سهام آبه کرد و کور شد و پس از چندی مرش بشا داد پس دیگر آمد میگفت بزن یک انبیه بدگفته و خواسته او را بپرد چاهپار بزندان بته ازند ولی او پیشه منی کرد و به بلوچستان یا گنجان رفت و دیگر برگشت نوادار من چون در آبادی و حتی در چاهپار کاری برایش پیدا شد رفت کوبت رحالا میگویند در شرکت نفت آنجا کار میکنند و به باو نیگنرد .

بعد از هیربور ۲۰ که خدای محل بهیشتی دولتیها پاسته سازی و کله بازی زمین مرا از دستم گرفت و بنام خود کرد چند تا مرغه تو هتم شکایت کردم هیچ نتیجه بهیشتی .

نوادار پسرم خیلو مهربان بود سافک باولتنگی از پیش من وقت میگفت اگر کاروانی بیجا میشد چطور من اینجا را ول میگردم .

چندین دفعه رفت پیش کدخدای الناس کرده که زمین ما را بالا نکشده دفعه آخر که پسرم در برابر فحش ها و کتک کاروبای کدخدای استقامت کرده و تنه شده بود یک روز تمام او را انبیه ها توفیق ساختند و سرانجام با شکم گرسنه و بلانده تاروتک و توستری آزادش کردند .

پیش از آنکه شاه قباد از ایران برود ۱ دردوره بیست ساله از دست دولتی ها هب روز و رفت مردم را گاهی بنام سر بازار کبری و زمانی باسم مامور سجل احوال می آمدند . جان و مال ما در امان نبود آبادی ما بر از جیمیت بود همه کار میگردند زمین و زراعت و کله گوسفند داشتند اما رفت مردم را دست مامورین دولت بکاراجی و مسقط و کوبت گریختند .

یک شب از آبادی ما ۵۰ نفر مرد و ۷۰ نفر زن شبانه راه ساحل را پیش گرفته اند از راه بیراهه در یک بنرگاه کوچک دور یک سینه بادی که قیلا اجاره کرده بودند جا گرفتند وقتی کشتی لنگر برداشت می گفتند چند باره ابر در آسمان دیده میشد نا کبان این باره های ابر زیاد شمراسر آسمان را ابر ورده و برق نسوا گرفت هوا طوفان شد و کشتی با سر نشیناش که گرفتار طوفان شده بود در دل دریا غرق گردید .

پسر من و برادر من هم در میان مسافران بودند وقتی خبر مرگ آنها را به آبادی ما آوردند کسی ماتم نگرفت و سر و صدای نماد مردم نرسیدند که اگر فریاد و فغانی راه فرودم دولتیها گرفتار شوند ممکن بود انبیه ها مردم را بچرم اینکه قیلا از توطن آنها خبر داشته اند و خبر نداده اند نقره داغ یا آهن داغ کنند .

اینروز ها دیگر هم دولتیها و هم خان و کله خدا در آبادی ما آبادی های اطراف ما سردم را اذیت میکنند کسی نمانده همه حالانی و قبرستان شده هرجا بروید جز فقر و مسکنت نا خوشی و بیکاری چیزی نی بینید .

من اگر در آبادان ، توی حرکت دستم بکار بندم چه چند ماهن آنجا میمانم چند تومانی که بدست آوردم بکوبت پیش پسرم نوشاده هم خیلی دلم برایش تنگ شده .

آرزو میکنم روزی بیاید که ما بشهر و آبادی برسیم زمین و زراعت خودمان میگردیم و فریبت هرا ندازیم برآمد غوش بگذره مثل زادگاه خودش نیست آباد بشرطیکه آنجا کار و مان باشد

بقیه از صفحه اول

حضرت محمد ص با اینکه اغلب خود را از آن محیط کثیف و ظلمانی بکناری می کشید و کمتر با آن مردم جاهل و خدا شناس تماس میگرفت و بیشتر در گوشه خلوت با خدای یگانه و معبود خود براز و نیاز و عبادت سیر و دامت مع الوصف در اثر درستکاری و شرافتمندی و امانت داری و راستگویی و ضعیف نوازی و تواضع و مهربانی و سایر خصائل پسندیده که در وجود گرامیش بود چنان محبوبیت و نیک نامی و حسن شهرتی در بین مردم داشت که نظیر آن کمتر یافت میشود بطوریکه صفات حسناش ضمیمه نام مبارکش شده و همه مردم جاهلیت آن وجود مقدس را محله امین و یامحمد ص مدینه و از این قبیل میگفتند حضرت محمد ص نخست از اوضاع آشفتنه و درهم محیط نگران بود و از حالت توحش و بت پرستی و بی اعتنائی بخدای یگانه که اعراب جاهلیت داشتند خاطر مبارکش آزرده میشد و از بابیان کار آن مردمان جاهل و لجاجت گیسخته که بهیچوجه حاضر نبودند دست از آن رشته بوسیده او هام و خرافات و بت پرستی خود بردارند و در جاده حق و حق پرستی قدمی بگذارند افسرده خاطر و متامل بود و رهائی و راهنمایی آنان را از خدای تعالی میخواست

در این موقع بود (سال ۲۶۱۰) که باب رحمت الهی گشوده شد فرشته وحی یعنی جبرئیل امین از جانب رب العالمین بر وجود مقدس محمد ص نازل شده با مرده نبوت و رسالت و طیفه مقدس و خطیر پیغمبری را بر عهده او گذاشت و عرش کرد: یا ایها المدثر قفانلر و ربک فیکرب الخ

بدین ترتیب در آن محیط ظلمانی و کار در میان آن مردم جاهل و وحشی

اثر طبع آقای محمود بهروردی

استقامت

فکر سالم از تن و جور برخیزد ! نغیزد
روشنای از شب و جور برخیزد ! لغیزد
بهاوائی از صیغ درد متد آید ، باید
قوت و نیروی شیر از مور برخیزد نغیزد
نعم همت در دل افسرده برورید ، نروید
با که سنبل از زمین هور بر خیزد نغیزد
سالک سر منزل مقصود مو با جهد کافی
کرد رنج از این ره برور برخیزد نغیزد
آدم تپیل ز مکتب محتشم کس درود نگوید
صرفه ای زین وصله ناجور برخیزد نغیزد
دوره سیر تکامل اعتدال پس با پسند
پاس از انجام این دستور برخیزد نغیزد
بایات و استقامت مشکلات آسودن توان کرد
مانی در راه این منظور برخیزد نغیزد
روح را شاداب به روزی روزش کن که هرگز
فکر سالم از تن و جور برخیزد نغیزد

باملی شدن نفت

درباره اش حرکت نفت در بالشکاه اوری را با ظرافت تعریف ۱۳۸۹۰۰۰ تن در سال و اختیاری خود دار و در هامبورگ بالشکاه دیگری که در سال ۱۹۹۹ دارای ۱۷۲۰۰۰ تن ظرفیت بود در حال تعمیر است تا ظرفیت آن به ۷۵۰۰۰۰ تن برسد شرکت نفت در ملبورن از شهرهای استرالیا دارای بالشکاه است که ظرفیت کامل آن در سال ۱۹۳۹ بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ تن بوده است و در این اواخر طرح ساختمان بالشکاه بزرگی در فرانسه ریخته شده و مطابق نقشه مرابیشی لوله های نفت از ایران تا بالشکاه وصل شده و نفت را برای تعریف با نجا برسانند .

بنابر این حرکت نفت ایران و انگلیس در خارج از ایران ۵۰٪ از سهام نفت کویت و سه چهارم ۲۳٪ در صد از سهام نفت نفت مرف و مودول رود کشتی نفت کش ۶ بالشکاه و مقدار متناهی لوله نفت میباید و باید نظر گرفتن اینکه آن شرکت در سه بالشکاه دیگر شرکت است و دو بالشکاه نیز در دست ساختمان دارد بدست شرکت که حرکت نفت انگلیس و ایران سرمایه و منابع منطقی در خارج از ایران داشته و ملی شدن نفت ایران باعث انحلال آن حرکت خواهد شد بلکه شاید اسم حرکت منور عوض شود

بقیه از صفحه اول

بالغ میگرد ۳۸۰ کشتی دیگر بطرفیت ۲۲۰۹۵۰ تن در دست ساختمان میباشد علاوه بر این شرکت چندین بالشکاه در خارج از خاور میانه تاسیس کرده است در انگلستان که عبارتند از بالشکاه با مرفستون و وکرا انرفموت در اسکاتلند و لانارس فرناجه و لوز بالشکاه دیگری نیز در جزیره گرین در دست ساختمان میباشد ظرفیت بالشکاه با مرفستون که نفت خام را تصفیه میکند بالغ بر ۱۸۰۰۰۰ تن میباشد ظرفیت بالشکاه کرا انرفموت که در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۵۸۰۰۰۰ تن بود در ظرفیت بالشکاه لانارس که در سال ۱۵۰۰۰۰ تن خواهد رسید ظرفیت بالشکاه لانارس که در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۱۲۶۹۰۰۰ تن بود اکنون به ۲۳۰۰۰۰۰ تن رسیده است

مبعث یا روز تجلی انوار حق

حضرت محمد ص عبادت حق با امر خدای یگانه برای نجات بشریت از آن حد بدیختی و جهالت از آن ظلم و ستمگری از آن بت پرستی و بی خبری و بی آلا از آن عالم فساد و سیر زوری که سرانجام به نیستی و فقای بعضی مشن می یکه و تنها برخلاف عقیده بوج اکثریت ساکنین هرستان قد مردانگی کرد و برای نیل به این آرزوی بزرگ و انجام فرمان مقدس خدای تعالی پیروزی نهائی حق و حقیقت همه سختیها و مشقات را تحمل کرد و از هیچ ما و بیستامندی نهراسید و بالاخره بدنیات ثابت کرد که همیشه غلبه با حق است نایق از بین خواهد رفت

آزی حضرت محمد برای اعلاای کلمه حق و حقیقت برای پیروزی علم و جهل برای برافراختن کاخ یدادگری و ستمکاری و تحکیم مبانی عدالت و احسان و برادری و برابری بین خلق نهال سرسبز خرم اسلام را با مر خدا تربیت کرد و در این راه فوق العاده زحمت کشید، زجرها دید، دل شکستگی ها تحمل کرد فدای کارها نمود و بالاخره در این مورد از جان عزیز خود کسان گرامی دلیند خود نیز دریغ نفرمود و اسلام را ناگال سر فرآزی و آبرومندی شرافت بنا ملت مسلمان سرب و پرستاری و سر بلندی آنرا بمامحول فرمود ما هم که پرستی خود و وطنه خود را نسبت بخدا و پیغمبر و دین احب داده و میدهیم! و دستورات خدای پیغمبر و دین را بخواهی عمل کرده و میکنیم واقعا بسی جای تأسف و تامل است...

شما را بخدا که دایمیک از کارهای ما مطابق دستور دین اسلام است اند... اسلام ما گفته: یا یکدیگر اتحاد و اتفاق داشته باشیم تا امکان چیرگی دشمنان بر ما محال نباشد آیا ما این دستور بزرگ را عملی کرده ایم؟ ما که بدیختانه چنان در آتش ففاق و دزدستی میسوزیم و چنان در فکر کینه توزی و انتقام جویی از یکدیگر هستیم که حسابش را خدامیدانند و بر واز روی زمین اصل است که امروزه خود و کشورمان دچار ابلهانه بدیختی و بیچارگی و سیه روزی شده ایم و عاقبتی جز اضحلال و خواری نداریم! اسلام بنا میگوید: از دروغ و افترا و تهمت بپرهیزید ما که اسام گویا با دروغ ساخته شده ایم و افترا و تهمت زدن به برادر دینی و وطنی خود را جز کارهای واجبی روزانه خود میدانیم از این جهت است که دشمنان از نقطه ضعفمان استفاده میکنند و کشورمان را میدان برای تاخت و تاز مقاصد خود و خانیان بر انداز خود تشخیص داده اند!...

اسلام بنا میگوید: از ظلم و ستمگری بپرهیزید و در فکر تعطلی بختور دیگران نباشید، ما که جز ظلم و ستمگری کاری از دشمنان ساخته نیست و غیر از اینکه حق مردم را پایمال کنیم شغلی نداریم!...

اسلام میگوید: وظائف خود را نسبت بخدا و دین و میهن خود انجام دهیم، ما که جز بی خبری از خدا و لاتیستی بدیئات و خیانت به میهن عزیز چیزی سرمان نیشود!...

اسلام میگوید: خدا را همیشه و در همه احوال باید ناظر اعمال و کردار خود بدانیم و از مکافات روز جزا غافل نباشیم، ما که همه چیز را بیاد داریم الا خدا و اتفاقا روز جزا و مکافات را نمیم و مسخره میدانیم!...

اسلام میگوید: ما مسلمانان همه با هم برادر و برابریم و برادر در بر آوردن حاجات برادر بایستی کوشا باشد، ما که اصلا گوشمان بدهکار این حرفها نیست و ابدا معنی برابری و برادری را نمیخواهیم بهمیم و حاضر نیستیم حتی جواب سلام حاجتمندان و افتادگان را بدهیم!...

اسلام میگوید: از غیبت کردن برادر مسلمان خود بپرهیزد یا بشیم، ما که برای گذراندن مجالس خود نقلی غیر از غیبت دیگران نداریم!...

اسلام میگوید: تحصیل علم کنیم تا از دیگران افضل باشیم، ما که علم را نمیدانیم برک چه درختی است ولی در عوض فقط کوشش داریم که در لهویات و منتهیات از دیگران عقب نمانیم!...

اسلام میگوید: ظلم و ستم نکنیم و زیر بار ظلم و جور نرویم، ما که غیر از اذیت و آزار بر بردستان و ظلم و ستم با این و آن و نیز فشار و اجاف قدیدین و بیعت دیگر توستری خوردن از بالادستان کاری نداریم!

اسلام میگوید: نسبت باعمال و افعال پسندیده تشویق و ترغیب کنیم و از کارهای ناپسند و نکوهیده مناعت بعمل آوریم، ما که خود راغب و شائق و حتی مشوق منکرات و مناهای هستیم و علاقمندی و توجه باعمال خوب و خدا پسند را مسخره و استهزاء میکنیم!...

اسلام میگوید: ناموس پرست باشیم و ناموس دیگران را ناموس خود دانسته و محترم بشماریم، ما که دیگر در این خصوص چه عرض کنیم!...

خلاصه که بدیختانه یا این رفتار و کردار زشت و ناهنجاری که امروز داریم، آن اسلام اسمی هم که داشتیم از بین دارد می رود، زیرا ما اکنون اقلا حفظ ظاهریم نمیکنیم! و باین طریق هیچ امیدی نباید داشته باشیم که مورد محبت و لطف پیغمبر اسلام واقع شویم، زیرا ما و قتی میتوانیم خود را مشمول این رحمت الهی بدانیم که کلیه دستورات آن بزرگوار را بوعوم عمل گذاریم و سرایا نباشیم دین مبین اسلام و اخلاقیات و روحیات رهبر عالیقدر و معظّم آن باشیم.

امیدواریم خدای تعالی خود نظر لطفی فرماید و ما را از این گمراهی و بدیختی نجات دهد و در پرتو انوار مقدس پیغمبر اسلام و در سایه پیروی از دستورات کسرا بنیهای اسلام ما و کشورمان را بشاهر اه صلاح و نیکنیختی هدایت فرماید.